

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد مرودشت  
دانشکده کشاورزی - گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد M.Sc.

عنوان :

**نقش بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصاد ایران با تأکید بر بخش کشاورزی**

استاد راهنما:

پروفسور بهاء‌الدین نجفی

استاد مشاور:

دکتر سید نعمت اله موسوی

نگارش:

هنگامه اسفندیاری

تابستان ۱۳۹۱



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.Sc.)

نام و نام خانوادگی دانشجو: هنگامه اسفندیاری در تاریخ: ۱۳۹۱/۴/۲۸ رشته: مهندسی کشاورزی - اقتصاد کشاورزی از پایان نامه خود با عنوان **نقش بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصاد ایران با تأکید بر بخش کشاورزی** بادرجه ..... و نمره ..... دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری	سمت	امضاء اعضای هیات داوری
۱- پروفسور بهاءالدین نجفی	استاد راهنما	
۲- دکتر سید نعمت‌اله موسوی	استاد مشاور	
۳- دکتر زکریا فرج‌زاده	استاد داور	
۴- دکتر فرزانه طاهری	استاد داور	

مراتب فوق مورد تایید است .

مدیر/معاونت پژوهشی

مهر و امضاء



## معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

# فرم منشور اخلاق پژوهش

بایاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه اهمیت جایگاه دانشگاه در اعلاای فرهنگ و تمدن بشری، دانشجویان و اعضای هیئت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخلف نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشیدگان (انسان، حیوان، نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن به پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تعد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اسامه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برانت: التزام به برانت جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلائند.

تقدیم بہ

پدر بزرگوارم

بہ پاس تمام از خود گذشتگی ہائش، حس مسولیت پذیریش، مقاومت و استواریش و نگاه پر امیدش

مادر، ہمیشہ ہمراہم

بہ پاس تمام مہربانیش، ایثارش، دل پاک و تحمل بی دریغش

ہمسفر پر محرم

کہ در حضورش کوئی بیچ کس غائب نیست ناس را بہ سارہ ہامی سپارم تا نورانی شود قلبش را بہ دریا

می آموزم تا پاکی را تجربہ کند و نگاہش را در چشمانم تا بدنگاہ خواہم داشت.

و

پسر عزیزم ارشیا

کہ با وجودش بہشت را تجربہ می کنم.

# سپاسگزاری

## مهربانا

اینک که در سایه لطف تو و در پرتو سخاوت تو پله ای دیگر از ترقی را پیموده ام چنین پاس به درگاه ملکوت می سایم و تو را شکر می گویم. خالصانه ترین پاس خویش را پیشکش اساتید کرامت جناب آقای پروفور نجفی و جناب آقای دکتر موسوی می دارم که در این راه یاریم دادند.

از اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر فرج زاده و سرکار خانم دکتر طاهری که داوری این رساله را بر عهده داشتند نهایت سپاسگزارم. همچنین از تمام اساتید بزرگوارم که در طی دوران تحصیل یاریگر و همراه این حقیر بودند به ویژه جناب آقای دکتر محمد رضارضایی، جناب آقای دکتر سلطانی، جناب آقای دکتر مرقانی و سرکار خانم دکتر آذرخش زین الدین کمال شکر و قدردانی را دارم.

در پایان از زحمات بی دریغ خواهر گرامی ام که از بذل بیچ محبتی نسبت به بنده دریغ ننمود نیز قدردانی می کنم و برای تمامی عزیزان آرزوی سلامت و بهروزی دارم.

## چکیده

به منظور بررسی نقش بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران (کشاورزی، صنعت، خدمات و نفت و گاز)، در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۲، مدلی درچارچوب ۱۳ معادله، ۶ اتحاد و ۷ معادله تصادفی شبیه سازی شده است. نتایج حاصل از تخمین معادلات با استفاده از روش معادلات ظاهرا نامرتبط (SURE)، نشان داد که بخش صنعت، تاثیر مثبت و معنی داری بر تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی دارد. اما بخش خدمات این بخش را متضرر میکنند. همچنین بخش نفت و گاز تاثیری بر تولید این بخش ندارد. بخش صنعت از همه بخش‌های اقتصادی سود میبرد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین بخش‌های اقتصادی در ایران رابطه محکم و حمایتی وجود ندارد و در تدوین استراتژی، بایستی بر پیوند میان بخش‌های کشاورزی و صنعت تاکید شود. رشد بخش خدمات نیز باید در سایه رشد سایر بخش‌ها باشد. به گونه ای که این بخش در جهت رفع نیاز بخش‌های دیگر گام بردارد.

**کلمات کلیدی:** بخش‌های اقتصادی، رشد اقتصادی، بخش کشاورزی، ایران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	فصل اول: کلیات
۲-۱-۱-مقدمه	..... ۲
۲-۲-مسیرهای توسعه اقتصادی	..... ۲
۳-۱-جایگاه بخش کشاورزی در چارچوب نظریه‌های رشد	..... ۸
۱-۳-۱-نظریه رشد متوازن	..... ۹
۲-۳-۱-نظریه رشد نامتوازن	..... ۹
۳-۳-۱-مدل اقتصاد دوگانه	..... ۱۰
۴-۳-۱-تئوری رشد درون‌زا	..... ۱۱
۴-۴-اهداف تحقیق	..... ۱۲
۵-۱-فرضیات تحقیق	..... ۱۲
۶-۱-پیشینه تحقیق	..... ۱۳

## فصل دوم: تئوری و روش تحقیق

۱-۲-روش تحقیق	..... ۲۲
۲-۲-معرفی معادلات مدل	..... ۲۵
۱-۲-۲-معادله ارزش افزوده بخش کشاورزی	..... ۲۵
۲-۲-۲-معادله ارزش افزوده بخش صنعت	..... ۲۷
۳-۲-۲-معادله رشد ارزش افزوده بخش خدمات	..... ۲۸
۴-۲-۲-معادله سرمایه‌گذاری در بخش غیرکشاورزی (بدون نفت)	..... ۲۸



- ۳۰ ..... ۲-۲-۵- معادله نرخ مبادله شهری-روستایی
- ۳۱ ..... ۲-۲-۶- معادله صادرات غیر نفتی
- ۳۲ ..... ۲-۲-۷- معادله واردات
- ۳۳ ..... ۲-۳-۳- آزمون‌های لازم برای تعیین روش مناسب تخمین
- ۳۳ ..... ۲-۳-۱- آزمون ایستایی
- ۳۳ ..... ۲-۳-۲- آزمون شکست ساختاری
- ۳۴ ..... ۲-۳-۳- آزمون اریب همزمانی
- ۳۶ ..... ۲-۴- انواع روشهای تخمین
- ۳۷ ..... ۲-۵- روش رگرسیون‌های ظاهراً نامرتب
- ۳۸ ..... ۲-۶- حل مدل
- ۳۸ ..... ۲-۷- شبیه سازی
- ۴۰ ..... ۲-۸- داده‌های مورد نیاز
- ۴۰ ..... ۲-۹- محاسبه شاخص بی ثباتی اقتصاد کلان
- ۴۱ ..... ۲-۱۰- محاسبه نرخ مبادله شهری-روستایی
- ۴۱ ..... ۲-۱۱- محاسبه نرخ واقعی ارز

### فصل سوم: بحث و نتایج

- ۴۴ ..... ۳-۱- نتایج آزمون ایستایی و شکست ساختاری
- ۴۵ ..... ۳-۲- نتایج آزمون اریب همزمانی هاسمن
- ۴۶ ..... ۳-۳- نتایج آزمون قطری بودن
- ۴۶ ..... ۳-۴- نتایج آزمون LM
- ۴۷ ..... ۳-۵- برآورد معادلات
- ۴۷ ..... ۳-۵-۱- برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی
- ۴۹ ..... ۳-۵-۲- برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش صنعت
- ۵۰ ..... ۳-۵-۳- برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش خدمات

- ۳-۵-۴- نتیجه‌گیری ..... ۵۲
- ۳-۵-۵- برآورد معادله سرمایه‌گذاری در بخش غیر کشاورزی (بدون نفت) ..... ۵۲
- ۳-۵-۶- برآورد معادله رابطه مبادله شهری-روستایی ..... ۵۴
- ۳-۵-۷- برآورد معادله عرضه صادرات غیرنفتی ..... ۵۵
- ۳-۵-۸- برآورد تابع تقاضای واردات ..... ۵۶
- ۳-۶-۶- نتایج حاصل از شبیه‌سازی ..... ۵۸
- ۳-۶-۱- اعمال یک واحد شوک درآمدی به تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی در سال ۱۳۷۵.. ۵۸
- ۳-۶-۲- اعمال یک واحد شوک درآمدی به تولید ناخالص داخلی بخش خدمات در سال ۱۳۷۵..... ۶۱
- ۳-۶-۳- اعمال یک واحد شوک درآمدی به تولید ناخالص داخلی بخش صنعت در سال ۱۳۷۵..... ۶۳
- ۳-۷-۷- خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۶۶
- ۳-۸-۸- پیشنهادات..... ۶۷

#### منابع و مأخذ

- الف) منابع فارسی ..... ۶۸
- ب) منابع انگلیسی ..... ۷۱

#### پیوست‌ها

- پیوست الف) نتایج حاصل از تخمین معادلات با استفاده از eviews..... ۷۴
- پیوست ب) محاسبه نرخ ارز واقعی..... ۷۷
- پیوست ج) نتایج حاصل از آزمون قطری بودن..... ۷۸
- پیوست د) جدول محاسبه ضریب همبستگی بین جملات پسماند معادلات..... ۷۹
- پیوست ه) نمودار شاخص بی‌ثباتی اقتصادی کلان..... ۸۰

#### چکیده انگلیسی

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
	<b>فصل دوم:</b>
۲۳	جدول (۱-۲) معادلات مدل شبیه سازی اقتصاد ایران.....
۲۴	جدول (۲-۲) متغیرهای موجود در معادلات واتحادهای.....
	<b>فصل سوم:</b>
۴۴	جدول (۱-۳) نتایج حاصل از آزمون شکست ساختاری با استفاده از آزمون چاو.....
۴۶	جدول (۲-۳) نتایج حاصل از آزمون اریب همزمانی هاسمن.....
۴۸	جدول (۳-۳) برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی .....
۴۹	جدول (۴-۳) برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش صنعت.....
۵۱	جدول (۵-۳) برآورد معادله تولید ناخالص داخلی بخش خدمات.....
۵۳	جدول (۶-۳) برآورد معادله سرمایه گذاری در بخش غیر کشاورزی (بدون نفت).....
۵۴	جدول (۷-۳) برآورد معادله رابطه مبادله شهری- روستایی .....
۵۵	جدول (۸-۳) برآورد معادله عرضه صادرات غیر نفتی.....
۵۷	جدول (۹-۳) برآورد معادله تقاضای واردات.....

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
	فصل سوم:
۵۹	نمودار (۱-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش کشاورزی بر تولید ناخالص داخلی بخش صنعت.....
۵۹	نمودار (۲-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش کشاورزی بر تولید ناخالص داخلی بخش خدمات.....
۶۰	نمودار (۳-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش کشاورزی بر تولید ناخالص داخلی کل.....
۶۱	نمودار (۴-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش خدمات بر تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی.....
۶۲	نمودار (۵-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش خدمات بر تولید ناخالص داخلی صنعت.....
۶۲	نمودار (۶-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش خدمات بر تولید ناخالص داخلی کل.....
۶۴	نمودار (۷-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش صنعت بر تولید ناخالص داخلی کشاورزی.....
۶۴	نمودار (۸-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش صنعت بر تولید ناخالص داخلی خدمات.....
۶۵	نمودار (۹-۳) اثر شوک درآمدی برون زا به بخش صنعت بر تولید ناخالص داخلی کل.....

# فصل اول

کلیات

## ۱-۱- مقدمه

بی تردید مرحله‌ای از توسعه که اکثر کشورهای جهان سوم از جمله ایران، خواهان دستیابی به آن هستند، رشد اقتصادی سریع می‌باشد. بنابراین در این بخش ابتدا مقدماتی راجع به مسیر توسعه اقتصاد و ارتباط متقابل بین بخش‌های اقتصادی بیان شده است، سپس بانگاهی اجمالی به نظریه‌های رشد، اهداف و فرضیات این تحقیق بازگو شده و در نهایت برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه بررسی می‌شود.

## ۱-۲- مسیرهای توسعه اقتصادی

در فرآیند توسعه، اقتصاددانان همواره به دنبال راه‌هایی برای رشد سریع‌تر اقتصادی بوده‌اند. از طرفی به علت محدودیت منابع تولیدی، همواره برسر چگونگی تحقق توسعه، در میان اقتصاددانان اختلاف نظر وجود داشته است. در این رابطه دو دیدگاه عمده وجود دارد: نخست دیدگاه اقتصاددانان توسعه دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، که معتقد بودند توسعه کشاورزی و صنعتی در دو جهت متضاد حرکت می‌کنند. این گروه معتقدند که کشاورزی دارای ارتباطات پسین و پیشین کمی است و منابع تولید باید از این بخش خارج و به بخش‌های پیشرو مثل بخش صنعت منتقل شود. توجیه این دسته از اقتصاددانان این بود که گسترش صنایع با مقیاس وسیع به علت صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس باعث افزایش سوددهی بخش خصوصی و افزایش بهره‌وری کل جامعه خواهد شد.

کلاسیک‌ها معتقد بودند که کشاورزی یک بخش اولیه با تکنولوژی سنتی و بهره‌وری پایین می‌باشد که می‌تواند به عنوان منبع تامین سرمایه برای گسترش بخش صنعت باشد.

ریکاردو، اقتصاددان معروف کلاسیک معتقد بود که پیشرفت کشاورزی به بهره‌وری کل اقتصاد کمک می‌کند و اساساً محدودیت‌های موجود در رشد کشاورزی است که مرز رشد این بخش و ضرورت تشکیل سرمایه برای توسعه اقتصادی را تعیین می‌کند (شاگری، ۱۳۸۳).

دیدگاه دوم دیدگاه اقتصاددانان ۱۹۵۰ به بعد می‌باشد که مطالعات مختلف آنها نشان دهنده اهمیت بخش کشاورزی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی است. این گروه از اقتصاددانان اعتقاد داشتند که تضادی بین رشد هماهنگ دو بخش وجود ندارد و در جریان توسعه اقتصادی، بخش کشاورزی می‌تواند با انتقال منابع مازاد به بخش صنعت به روند توسعه اقتصادی کمک کند.

در این دیدگاه، کشاورزی به عنوان یک بخش یکپارچه از سیستم اقتصاد داخلی در نظر گرفته شده است که تعامل بین این بخش با بخش صنعت و ارتباط پویای میان آنها برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، حائز اهمیت است.

از جمله مطالعاتی که از دهه ۱۹۵۰ به بعد در این زمینه انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آرتور لوئیس<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) بیان می‌دارد که بخش کشاورزی می‌تواند با انتقال منابع مازاد به بخش صنعت، به روند توسعه اقتصادی کمک کند. او معتقد بود که صنعت و کشاورزی بنا به دو دلیل می‌توانند مکمل یکدیگر باشند: اول اینکه اگر بهره‌وری کشاورزی بهبود یابد لازم است کشاورزان انگیزه لازم در بسط مازاد بازاری خود داشته باشند و این امر موازنه میان بخش‌های محصولات کشاورزی و مصرفی اقتصاد را ایجاد می‌کند. دلیل دوم اینکه کشاورزی نیاز به نهاده‌های سرمایه دارد و این به توازن میان کشاورزان و تولید کالای سرمایه‌ای و تهیه کالای سرمایه اجتماعی بالاتری نیازمند است. این مطلب افزون بر این واقعیت است که تولید کشاورزی

---

1-Arthur Lewis

می‌تواند پایه‌ای برای توسعه صنایع محلی فراهم آورد و بخش صنعت برای مواد غذایی به بخش کشاورزی اتکا دارد (عمادزاده و دلیری چولایی، ۱۳۸۸).

جورگنسون<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) خاطر نشان می‌کند که برای توسعه بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه، نه تنها ایجاد مازاد کشاورزی ضروری است، بلکه باید از طریق پیشرفت فنی تداوم یابد و معتقد است که در مراحل اولیه توسعه، کشورهای در حال توسعه باید برای تسریع رشد مازاد کشاورزی خود، اقدام به سرمایه‌گذاری خالص در این بخش کنند (کرباسی و خاکسار آستانه، ۱۳۸۲).

جورگنسون معتقد است که بخش کشاورزی می‌تواند از طریق تأمین نیروی کار و ارز، برقراری امنیت غذایی و ایجاد تقاضا برای تولیدات سایر بخش‌ها، به رشد و توسعه اقتصادی کمک کند (کورکی نژاد، ۱۳۸۶).

جانسون و ملور<sup>۲</sup> (۱۹۶۱) در مطالعه‌ای با عنوان نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی، بر اهمیت کشاورزی به عنوان نیروی محرک رشد تأکید کردند و اظهار داشتند که نقش کشاورزی در توسعه شامل مساعدت عوامل (سرمایه و نیروی کار)، مساعدت محصول (غذا و مواد خام اولیه) و مساعدت بازار و ارز خارجی می‌باشد. این پژوهشگران رشد متوازن، یعنی تلاش‌های همزمان برای توسعه کشاورزی و صنعت را ضروری دانسته و عقیده داشتند که ماهیت رابطه درونی میان کشاورزی و صنعت در مراحل مختلف توسعه، دارای اثرات مهمی در انتخاب استراتژی توسعه موفقیت آمیز خواهد داشت (کرباسی و خاکسار آستانه، ۱۳۸۶).

پریش<sup>۳</sup> (۱۹۵۸) معتقد به استراتژی توسعه صنعتی بر مبنای جایگزینی واردات بود و استدلال کرد که در بلندمدت رابطه مبادله به زیان کشورهایی است که صادرکننده مواد اولیه و واردکننده کالاهای صنعتی هستند و تأکید داشت که در کشورهای در حال توسعه باید اولویت را

---

1-Jorgenson

2-Johnston & Mellor

3-Perbisch



به جایگزینی واردات کالاهای صنعتی در مقابل تولید کالاهای کشاورزی صادراتی داد و نظریه او با ارائه نظریه پیوندها توسط هیرشمن (۱۹۵۸) تقویت شد.

هیرشمن<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) نظریه پیوندها را به عنوان ابزاری برای بررسی اینکه چگونه سرمایه‌گذاری در یک فعالیت اقتصادی، موجب القای سرمایه‌گذاری بعدی در سایر فعالیت‌های اقتصادی می‌شود، معرفی کرد. وی معتقد بود که کشاورزی به عنوان یک صنعت اولیه، فاقد پیوندهای پسین است و چون بیشتر محصولات کشاورزی یا به مصرف خانوارها می‌رسد و یا به طور مستقیم صادر می‌شوند، پیوند پیشین نیز در آن ضعیف است. کشاورزی در کشورهای کمتر توسعه یافته، آنقدر ابتدایی است که به کلی فاقد پیوندهای پسین با عرضه کنندگان نهاده است. از طرف دیگر صنایع وابسته به کشاورزی اغلب صنایع پیشرو در فرآیند صنعتی شدن هستند (کرباسی و خاکسار آستانه، ۱۳۸۲).

جانسون و ملور (۱۹۶۱) بیان کردند، فرآیند توسعه در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که اولین قدم در فرآیند صنعتی شدن این کشورها، گسترش تکنولوژی در بخش کشاورزی و ایجاد صنایع مرتبط با آن می‌باشد و اگر سرمایه‌گذاری کافی برای مرتبط کردن بخش کشاورزی از یک طرف به پیوندهای پیشین (صنایع مصرفی) و از طرف دیگر به پیوندهای پسین (عرضه کنندگان مواد اولیه و نهاده‌های کشاورزی) وجود داشته باشد، توسعه صنعتی برپایه توسعه بخش کشاورزی صورت می‌پذیرد و از طرفی دیگر تقاضا برای محصولات صنعتی را بالا می‌برد.

آنها پنج ارتباط بین بخشی را نیز در زمینه نقش کشاورزی در رشد اقتصادی معرفی کردند که عبارت است از: ۱- فراهم کردن مواد غذایی برای مصرف، ۲- عرضه نیروی کار مازاد به ویژه به بخش صنعت، ۳- ایجاد بازار برای محصولات صنعتی در داخل، ۴- عرضه پس انداز، ۵- کسب ارز خارجی.

---

1-Hirshman

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توسعه اقتصادی را مترادف با توسعه صنعتی تلقی می‌کردند و بر مبنای استراتژی (اول توسعه صنعتی)) و با تاکید بر این بخش، به بهای غفلت ورزیدن از بخش کشاورزی، برنامه‌های توسعه اقتصادی خود را تدوین نمودند، با گذشت زمان دریافتند که بدون توسعه بخش کشاورزی، توسعه اقتصادی ناممکن است و عدم سرمایه‌گذاری در این بخش منجر به کند شدن و یا توقف توسعه اقتصادی می‌گردد. از این رو کشورهای در حال توسعه یکی پس از دیگری متوجه نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی شدند و به استراتژی توسعه بخش کشاورزی یا استراتژی رشد متوازن روی آوردند (شاگری، و موسوی، ۱۳۸۶).

در فرآیند توسعه اقتصادی، به دلیل تغییرات ساختاری سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش و منابع از بخش کشاورزی به سمت فعالیت صنعتی و خدماتی با بهره‌وری بالاتر روانه می‌شوند. اگر از این منابع انتقال یافته به بخش‌های دیگر، به طور موثر استفاده شود، موجب استفاده کارا تر از منابع و رشد سریع‌تر اقتصادی خواهد بود.

بر اساس استانداردهای بانک جهانی، توسعه به معنی تغییر ساختاری از اقتصاد مبتنی بر تولید و اشتغال کشاورزی به اقتصاد مبتنی بر پیشرفت تکنولوژی است که در این فرآیند سهم نیروی کار در کشاورزی و سهم محصولات کشاورزی از تولید ناخالص داخلی، کاهش می‌یابد. طبق این نگرش تحول و پیشرفت ساختاری خود به پیشرفت کشاورزی وابسته است (شاگری، ۱۳۸۳).

توسعه اقتصادی همواره با گذر اقتصاد از سهم غالب کشاورزی به سهم غالب صنعت و خدمات همراه بوده است. آهنگ این گذر به آهنگ رشد بخش کشاورزی بستگی دارد. رشد کشاورزی هر قدر سریع‌تر باشد اهمیت نسبی آن در اقتصاد با سرعت بیشتری کاهش می‌یابد. زیرا درآمد اضافی کشاورزی بیشتر در بخش‌های غیر کشاورزی هزینه می‌شود و بدین ترتیب حتی به رشد سایر بخش‌ها سرعت می‌بخشد (شاگری، و موسوی، ۱۳۸۶).

در بسیاری از کشورها مساعدترین زمینه برای توسعه سریع اقتصادی، توسعه کشاورزی است. راهکارها و نیازهای اولیه آن نیز عبارتند از: ارتقاء بهداشت، آموزش و پرورش همگانی، آموزش فنی، تسهیلات بهتر حمل و نقل و اعتبارات ارزان روستایی برای اهداف تولیدی (شاگری، ۱۳۸۳).

با توجه به اینکه بیشتر فعالیت‌های کشاورزی در روستاها صورت می‌گیرد، لذا گسترش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در غالب سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، می‌تواند موجب ایجاد فرصت‌های شغلی در این بخش گردد. در نتیجه با جلوگیری از مهاجرت افراد به شهرها نرخ رشد بخش کشاورزی را بالا می‌برد که این نیز در بالا بردن سرمایه‌گذاری و گسترش فعالیت‌های آن همراه با فن‌آوری بالاتر موثر است (شاگری، و موسوی، ۱۳۸۷).

رشد سریع کشاورزی نیازمند پرسنل آموزش دیده در مجاورت کشاورزان به منظور ارائه خدمات مالی، ترویج، عرضه نهاده‌ها و خدمات بازاریابی است. اما به دلیل عدم وجود حداقل امکانات رفاهی، افراد متخصص در این زمینه در روستاهای دور افتاده سکنی نمی‌گزینند. پس، وجود زیربنای فیزیکی مناسب، به عنوان اولین پیش شرط برای ترغیب متخصصان است. مطالعات بسیاری بر اهمیت زیر بنای فیزیکی برای رشد سریع کشاورزی، تأکید کرده‌اند. رشد سریع، مستلزم تخصصی شدن و تجاری شدن است، خواه بخش صنعت باشد خواه کشاورزی. در دنیای نوین برای دستیابی به قابلیت رقابت باید به طور مستمر هزینه‌های تولید کاهش یابد. در کشاورزی به دلیل وجود محدودیت زمین، کاهش هزینه‌ها به افزایش بهره‌وری بستگی دارد (کورکی نژاد، ۱۳۸۶).

بنابراین در مورد نقش بخش کشاورزی در فرآیند توسعه می‌توان به این جمع بندی رسید که بخش کشاورزی می‌تواند منبع خوبی برای توسعه صنعتی باشد. در مرحله بعد گسترش دانش، ترویج و بهبود روش‌ها در کشاورزی، ایجاد صنایع تبدیلی و مکمل، تحقیقات مسائل کشاورزی و آب و خاک، مشارکت بخش صنعت در حوزه بخش کشاورزی را منعکس می‌کند (شاگری، ۱۳۸۳).

در نتیجه با توجه به چنین نقشی که بخش کشاورزی می‌تواند در فرآیند توسعه داشته باشد بی‌توجهی به این بخش و یا تاکید بیش از حد بر آن بدون در نظر گرفتن سایر بخش‌ها به هیچ وجه قابل تایید نیست. صنعتی شدن نیز می‌تواند به اشکال گوناگون بر رشد کشاورزی تأثیر مثبت داشته باشد. در جریان صنعتی شدن، درآمدها به سرعت افزایش می‌یابد، که این امر خود تقاضا برای محصولات کشاورزی به ویژه مواد غذایی را افزایش می‌دهد. از آنجا که تولید مواد غذایی در بخش کشاورزی کاربر است، افزایش تقاضا برای تولیدات کشاورزی، بازدهی نهایی سرمایه و کار را در این بخش افزایش می‌دهد. این امر به نوبه خود اشتغال در مناطق روستایی را افزایش خواهد داد (کرباسی و خاکسار آستانه، ۱۳۸۲).

همان طور که توسعه صنعتی به مزاددهای روستایی جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و رفاه روستایی (جهت گسترش بازار محصولات صنعتی) نیاز دارد، توسعه کشاورزی نیز به خدمات صنعتی و دستاوردهای صنعتی برای بهبود بازدهی‌های کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی و امکانات زیر بنایی روستایی نیاز دارد. زیرا صنعتی شدن حجم سرمایه در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد که این خود به نوسازی و افزایش تولید کمک می‌کند (شاگری، ۱۳۸۳).

### ۱-۳- جایگاه بخش کشاورزی در چارچوب نظریه‌های رشد

#### ۱-۳-۱- نظریه رشد متوازن

این نظریه بر رشد متوازن بخش‌های صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری‌های مولد، عوامل جنبی مثبت عمودی و افقی بخش‌های تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی از یک طرف، و توازن عرضه و تقاضا از طرف دیگر تاکید داشته و به دوران فقر و مدارهای توسعه نیافتگی بر عوامل تولید مرتبط و تعامل‌های بین بخشی به عنوان عامل پویایی اقتصاد تاکید دارند. نظریه‌های رشد متوازن در عین اشاره ضمنی بر اهمیت بخش کشاورزی، نظریه مستقیم و صریح